یادداشتی از شاهین بیانی، پیشکسوت فوتبال

ارزش‌هایی که دیگر نیست

در هر جامعه، هنجارهایی وجود دارد که ارزش لقب می‌گیرد. نمونه‌های زیادی درباره این ارزش‌ها می‌توان مثال زد مثلاً وحدت، دوستی و رفتارهایی از این قبیل که یک جامعه را به سمت یگانگی سوق می‌دهد اما شاید جالب باشد که درحال حاضر، بسیاری از ارزش‌ها با آنچه در قدیم بوده، تفاوت پیدا کرده است. هر کدام از ما، به هر حوزه‌ای که سرک بکشیم و اطلاعات آن را مورد توجه قرار دهیم، می‌بینیم، چه در رفتارها و چه در تعاملات افراد پیرامونی و حتی خود ما، ضعف‌هایی عمیق نهفته است. قدیم‌ترها که فوتبال بازی می‌کردیم، به این ورزش عشق می‌ورزیدیم و هر لحظه‌اش برایمان دلچسب بود. اما اکنون این گونه نیست. دیگر تعصب در فوتبال معنی نمی‌دهد...

در صفحه ۱۲ بخوانید...

۱۲
■ یک مبلی‌متر جابرای «جوان، نداریم» | اردشیر رستمی
■ راستی خواستن هست | عباس جهانگیریان
■ یک گناه | بوشی از رمان بادبادک‌باز
■ و...

بحث‌هایی درباره مادران امروز و تفاوت دیدگاه آنها با مادران نسل‌های قبل

فردای ما و مسائل امروز مادران

در گفت‌وگو با عضو فراکسیون زنان مجلس مطرح شد

تشریح آسیب‌های اجتماعی مادران شاغل

طرح نو | امیر توحید فاضل | طی سال‌های اخیر و با تغییر شیوه‌های زندگی شاهد ایجاد تفاوت‌های بسیاری در زندگی روزمره شهروندان ایرانی به ویژه زنان و دختران هستیم. اگر تا ۲ دهه قبل، حضور زنان در فعالیت‌های خارج از خانه به ویژه برای تامین هزینه‌های زندگی، موضوعی حداقلی و محدود به قشری خاص از زنان که دارای تحصیلات عالیه بودند، می‌شد، اما امروز بخش زیادی از زنان و دختران ایرانی دارای کار در خارج از خانه بوده یا حداقل به دنبال یافتن کاری مناسب هستند. این تغییر هر دلیلی که داشته باشد، به‌طور قطع در تربیت فرزندان ایرانی تاثیرگذار بوده است. این پرسش که تاثیرات فوق مثبت است یا منفی، محور گفت‌وگو با سکینه عمرانی، نماینده سمیرم و عضو فراکسیون بانوان مجلس شد که بخش‌هایی از آن را در ادامه می‌خوانید:

• **فکر می‌کنید با توسعه زندگی شهری و پیشرفت جوامع، وظایف زنان در قبال خانواده خود و به ویژه در حوزه تربیت فرزندان نسبت به گذشته تغییر کرده است؟**

هر فرد با هر گرایش مذهبی، قومی یا حتی سیاسی، وظایفی در قبال خود و خانواده دارد که بخش‌هایی از این وظایف کلان و کلی است و بخش‌هایی نیز با تغییر شرایط، متفاوت می‌شود. به عنوان نمونه بانوان تا زمانی که ازدواج نکرده و تشکیل زندگی نداده‌اند، وظایفی در قبال خود و جامعه برعهده دارند. وظایف این افراد پس از ازدواج افزایش یافته و زمانی که صاحب فرزند می‌شوند، به اوج خود می‌رسد. برای مردان نیز این تقسیم‌بندی‌ها مطرح می‌شود، با این تفاوت کلی که تاثیر یک مادر در تربیت صحیح یا حتی غیرسالم و غیراصولی فرزندان، هرگز با تاثیر یک مرد برابری نمی‌کند. بنابراین ما وقتی از وظایف مادران صحبت می‌کنیم، مهم‌ترین وظیفه‌ای که برای یک مادر قایل می‌شویم، بحث تربیت فرزندان است. بنابراین با تغییر شیوه‌های زندگی، نمی‌توان گفت که وظیفه مادران نیز دچار تغییر و تحولات جدی و عمیق می‌شود.

• **مهم‌ترین وظیفه مادران را تربیت فرزندان معرفی کردید، آیا آنها وظایف دیگری نیز برعهده دارند؟**

به‌طور کلی وظایف مادران در هر جامعه‌ای به ۲ بخش کلان فطری و عرفی تقسیم می‌شود. وظایف فطری همان مسئولیت‌های کلانی است که در طول زمان دچار تغییر نمی‌شوند، مانند مسئولیت یک مادر در قبال خانواده و تربیت فرزندان. اما وظایف عرفی رابطه مستقیم با شرایط دارد به‌عنوان مثال امروز که زندگی خانواده‌های ایرانی به شدت تحت تاثیر مشکلات اقتصادی است، زنان ما در تامین معیشت خانواده نیز احساس مسئولیت کرده و بخش مهمی از آنها در کنار مردان شاغل بوده و در تامین هزینه‌ها به سرپرست خانواده کمک می‌کنند.

• **به‌طور قطع نحوه تربیت کودکان توسط مادران شاغل و مادران غیرشاغل تفاوت‌های زیادی دارد. حال این پرسش مطرح می‌شود که این تفاوت‌ها مثبت است یا منفی؟**

به‌طور قطع مثبت نیست. تحقیقات نشان می‌دهد که هم مادران شاغل و هم فرزندان آنها، دغدغه‌های بسیاری داشته و هر دو طرف دل‌نگرانی‌های جدی دارند. زنان از نظر فطری علاقه دارند که همواره در کنار فرزندان خود حضور داشته باشند و کودکان نیز در یک دوره زمانی و حداقل تا رسیدن به سن مدرسه، هرگز نمی‌خواهند از مادر خود جدا شوند.

من به‌عنوان یک نماینده مجلس و فردی که باید با مردم و حداقل افراد حوزه انتخابیه خود رابطه مستقیم و مستمر داشته باشم، بلند می‌گویم که اکثر زنان شاغلی که به من مراجعه می‌کنند، نگران فرزندان خود بوده و از این شرایط ناراحت هستند. متاسفانه شرایط اقتصادی کشور و خانواده‌های ما به غیر از عده‌ای محدود و معدود که درآمدهای کلان و میلیاردی دارند، به صورتی است که زنان مجبور به کار کردن بوده و باید همسران خود را در تامین هزینه‌های زندگی همراهی و کمک کنند. حال به این افراد زنانی که سرپرست خانوار بوده یا بد سرپرست هستند را هم اضافه کنید که به مراتب مشکلات بیشتری نسبت به دیگر زنان دارند. از سوی دیگر طی سال‌های اخیر با افزایش سطح تحصیلات و آگاهی زنان و دختران ایرانی، آنها مطالبه بیشتری برای یافتن کار به ویژه کارهای اداری و دولتی داشته و این امر موجب شده که مادران ما کمتر در خانه حاضر باشند و اکثر روز را بیرون از خانه و مشغول به کار هستند. طبیعی است، فرزندانی که زمان زیادی را به دور از مادران خود سپری می‌کنند، از نظر تربیتی با دیگر کودکان تفاوت‌های بسیاری دارند.

• **آمارها نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر تعداد دختران دانشجو و دختران دارای تحصیلات عالی بیش از پسران شده است. آیا افزایش سطح سواد مادران نباید در تربیت نسل آینده تاثیر مثبت داشته باشد؟**

قطعا باید تاثیر مثبت داشته باشد، اما مشکل اینجاست که هدف اصلی زنان و دختران ایرانی از ادامه تحصیل و دریافت مدارک دانشگاهی پیدا کردن شغل و افزایش درآمد است. به عبارتی، عاملی که می‌توانست در تربیت صحیح فرزندان دارای اثرات مثبت بسیاری باشد، تبدیل به عاملی برای دور کردن مادران از آغوش فرزندان شده است. یعنی مادران ما وقتی فارغ‌التحصیل می‌شوند، از دانش خود برای تحکیم خانواده و تربیت صحیح فرزندان استفاده نمی‌کنند، بلکه این دانش و مدرک دانشگاهی محرکی برای یافتن کار شده است.

• **با این اظهارات می‌توانیم بگوییم که شما مخالف کار کردن زنان و به عبارتی حضور بانوان در جامعه هستید؟**

اصلا این گونه نیست. اتفاقا من معتقدم که همه زنان ما باید دارای شغلی مناسب و درآمد کافی و استقلال مالی مطلوب باشند، اما این امر باید همراه با پایبند شرط‌هایی باشد.

• **پیش از آن که به پیش‌شرط‌ها اشاره کنید، به این پرسش پاسخ دهید که اشتغال مادران چه تاثیراتی در تربیت فرزندان و به‌طور کلی نسل آینده شده است؟**

برای یافتن پاسخ این پرسش کافی است به تعدادی از کودکانی که مادران آنها شاغل هستند، نگاه کرده و رفتارهای آنها را زیر نظر بگیرید. به نظر من حضور مادر در خارج از خانه و فاصله گرفتن او فرزندانش از لحاظ روحی و روانی ضربه بزرگی به بچه‌های نسل جدید وارد کرده است.

این فرزندان تا زمانی که در کنار مادر خود هستند، آرامش داشته و می‌توان آرامش و احساس راحتی را در حرکات و حتی نگاه‌های آنها مشاهده کرد اما به محض آن که مادر را در کنار خود نمی‌بینند، عصبی شده و استرس بسیاری به کودک وارد می‌شود. ای کاش تحقیقات جامع، کارشناسی شده و علمی درباره اثرات مخرب اشتغال مادران در تربیت فرزندان انجام شود تا ما از عمق این ضربه مطلع شویم. برخی اوقات به مسئولانی که با آنها ارتباط داریم می‌گوییم، آیا باید این نسل به سن جوانی رسیده و وارد اجتماع شوند، تا اثرات مخرب اشتغال مادران را به درستی درک کنیم. به‌طور قطع اگر امروز تمهیدات لازم در این زمینه اندیشیده نشود، فردا با آسیب‌های جدی و حتی غیرقابل جبران روبه‌رو می‌شویم. البته تا همین امروز نیز ضربه‌ای که اشتغال مادران به کودکان وارد کرده در بسیاری از موارد جبران‌ناپذیر است.

• **شما گفتید «ای کاش تحقیقات جامع، کارشناسی شده و علمی درباره اثرات مخرب اشتغال مادران در تربیت فرزندان انجام شود تا ما از عمق این ضربه مطلع شویم.» آیا تاکنون تحقیقات علمی در این حوزه انجام نشده است؟**

اگر تحقیقی هم صورت گرفته من مطالعه نکرده و از آن بی‌اطلاع هستم.

• **مرکز پژوهش‌های مجلس هم که باید کمک فکری به نمایندگان ارایه کند، در این زمینه کاری انجام نداده است؟**

اطلاعی ندارم.

ادامه در صفحه ۱۰

• با تغییر شیوه‌های زندگی، نمی‌توان گفت که وظیفه مادران نیز دچار تغییر و تحولات جدی و عمیق می‌شود.

• وظایف عرفی رابطه مستقیم با شرایط دارد به‌عنوان مثال امروز که زندگی خانواده‌های ایرانی به شدت تحت تاثیر مشکلات اقتصادی است، زنان ما در تامین معیشت خانواده نیز احساس مسئولیت کرده و بخش مهمی از آنها در کنار مردان شاغل بوده و در تامین هزینه‌ها به سرپرست خانواده کمک می‌کنند.

• اگر امروز تمهیدات لازم در این زمینه اندیشیده نشود، فردا با آسیب‌های جدی و حتی غیرقابل جبران روبه‌رو می‌شویم. البته تا همین امروز نیز ضربه‌ای که اشتغال مادران به کودکان وارد کرده، در بسیاری از موارد جبران‌ناپذیر است.

• من معتقدم که همه زنان ما باید دارای شغلی مناسب و درآمد کافی و استقلال مالی مطلوب باشند، اما این امر باید همراه با پایبند شرط‌هایی باشد.

نگاه

مادران امروزی؛ فاصله‌گیری از تربیت اخلاقی

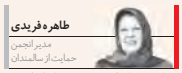

طاهره فریدی
مدیر انجمن حمایت از سالمندان

تفاوت «مادران دیروز» و «مادران امروز» را باید در نحوه رفتار آنها با فرزندان خود جست‌وجو کرد. این تفاوت را نمی‌توان بدون درنظر گرفتن رفتار آنان بررسی کرد.

تنها نگرانی «مادران دیروز» یا گذشته این بود که زندگی خود و فرزندانشان در آرامش و سلامت کامل بگذرد؛ آنها دغدغه دیگری برای زندگی نداشتند و همین مسأله باعث شده بود که یک زندگی سرشار از آرامش را سپری کنند. اگر یک بیماری برای فرزند «مادر دیروز» پیش می‌آمد، مادر با داروهای خانگی او را مداوا می‌کرد. می‌توان گفت که «مادران دیروز» مادرانی بودند که برای تحصیل و آینده فرزندان خود برنامه‌ریزی می‌کردند و به غیر از این مسأله دغدغه دیگری نداشتند. آنها حتی محل کار و زندگی فرزند خود را هم مشخص می‌کردند. اما «مادران امروز» تنها تحصیلات عالیه داشته باشند و زندگی خود را بدون دغدغه خاصی سپری کنند. «مادران امروز» در این راه تمام سعی خود را می‌کنند که فرزندان‌شان در آرامش کامل زندگی کنند و تمام نیازها و خواسته‌هایشان برآورده شود.

نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد، بحث چشم و هم‌چشمی و رقابت بین «مادران امروز» است؛ اگر این رقابت بین آنها برقرار شود، نتیجه آن می‌شود که آسایش و آرامش پدر و مادر (خانواده) برای برآورده‌کردن خواسته‌های فرزندان به تنش و خستگی‌های جسمی و روحی منجر می‌شود و آنها بدون درنظر گرفتن شیوه‌های درست و اخلاقی تربیتی با فرزندان برخورد می‌کنند.

اگر «مادران دیروز» یک دوچرخه به فرزند خود هدیه می‌دادند، خوشبختی و رضایت از زندگی به فرزندان خود بخشیده بودند؛ اگر «مادران دیروز» اجازه استفاده از خودروی پدر را به فرزند خود می‌دادند، اگر اجازه می‌دادند که او گواهینامه بگیرد، احساس خوشبختی را به او هدیه کرده بودند. اینها در صورتی است که «مادران امروز» برای فرزندان خود، خودروی شخصی تهیه می‌کنند و دغدغه‌شان در مدلی که آن خودرو می‌تواند داشته باشد، خلاصه می‌شود؛ این مادران تنها دنبال چشم و هم‌چشمی هستند و از فرزندان خود به شکل یک نماد استفاده می‌کنند و با نوع موبایل، مدرک تحصیلی و دیگر موارد رقابتی که در مسائل مادی خلاصه می‌شود، با فرزندان خود برخورد می‌کنند.

مسائلی نظیر آن‌چه در سطرهای بالا گفته شد، باعث شده که نحوه برخورد «مادران امروز» با فرزندان خود به شکلی باشد که آنها در بسیاری از موارد متوقع بار آیند. اینها همه در حالتی است که «مادران دیروز» با تهیه یک عروسک پارچه‌ای برای دختر خود یا یک ماشین اسباب بازی یا وسایل دم‌دستی برای پسر خود، دل آنها را شاد می‌کردند. «مادران دیروز» همراه و همگام با درس و کلاس و مدرسه فرزندان خود پیش می‌رفتند و «مادران امروز» تمام این موارد را برعهده معلم‌های خصوصی گذاشته‌اند. «مادران امروز» نهایت همیاری با فرزندان خود را در کمک‌های مالی خلاصه کرده‌اند و تنها می‌خواهند که آنها یک زندگی سرشار از رفاه مادی داشته باشند. این میزان از تأکید بر بار مادی در رابطه با تربیت و آینده فرزندان در گذشته جایی نداشته است.

یکی از اعضای انجمن ما تعریف می‌کرد، «وقتی که می‌خواستم برای جشن تولد نوه‌ام آماده شوم، هاج و واج مانده بودم که چه هدیه‌ای می‌توانم برایش تهیه کنم. چرا که مادرش اتاق او را پر از وسایل مختلف کرده بود و برای یک انشای خوب او کلی اسباب‌بازی خریده بود. مادرهای امروز با تفکرات مادی خود از تربیت اخلاقی فاصله گرفته‌اند و کار را هم برای خود و هم برای فرزندان‌شان در آینده سخت کرده‌اند. آرامش، نقطه گمشده زندگی این مادران است.

من به‌عنوان یک «مادر دیروز» نگران «مادران امروز» و فرزندان‌شان هستم. آنها ذهن خود و فرزندان‌شان را با مسائلی درگیر می‌کنند که ارزش چندانی از لحاظ اخلاقی ندارد و بسیاری از آنان برمبنای سبک‌های زندگی در دیگر کشورها به تربیت فرزندان خود می‌پردازند.

ادامه در صفحه ۱۰

در صفحه ۱۱ بخوانید...

نگاه منتقد

اشتغال زایی در حوزه گردشگری بهانه است

آب در کوزه و ما تشنه لبان

برانتز

اعتیاد و خانواده ایرانی!

یادداشت

یک آسیب جدی «دروغ»

طرح: فیروزه منفرد